



نگرش علمی به برنامه‌ریزی آموزشی در حوزه

○ سیدجواد قندیلی، عضو هیات علمی دانشگاه فردوسی مشهد

روشن‌بودن هدفهای آموزشی سبب می‌شود، دانش‌پژوهان در نظام آموزشی به ویژه در نظام حوزوی، جهت‌گیری منطقی و منطبق با توانایی‌ها، علایق خود و نیازهای حال و آینده جامعه داشته باشند. از این رهگذر به مقدار زیاد از ناکامی استعدادهای انسانی و مادی جلوگیری خواهد شد.



ب. اهمیت هدفها از نظر مراحل بعد تیز، قابل بحث است. دانسته‌شدن هدفهای آموزشی، راه رسیدن به مراحل بعد را روشن می‌کند. رشته‌های تحصیلی، ویژگی‌ها، شرایط پژوهشگران در رشته‌های گوناگون، امکانات موردنیاز برای رسیدن به هدفها، راهکارهای اجرایی و روشهای ارزشیابی، با وضعیت هدفها مرتبط هستند. همچنین

اشاره

آنچه در این شماره می‌آید، دو مرحله از چرخه برنامه‌ریزی آموزشی است. در مرحله اول، مباحث مربوط به هدفهای آموزشی مطرح می‌شود که شامل اهمیت و حساسیت هدفها در روند برنامه‌ریزی، طبقه‌بندی هدفها و تأثیر آنها در جریان آموزش و فواید طبقه‌بندی می‌باشد. مرحله دوم که شناخت محدوده امکانات جهت برنامه‌ریزی آموزشی است؛ شامل توضیح مفهوم امکانات، مطالعه عواملی که از درون یا از خارج نظام آموزشی حوزه به‌عنوان منابع یا موانع عمل می‌کنند، می‌باشد. از درون نظام آموزشی به یادگیری، کیفیت یادگیری، ساختار نظام آموزش حوزوی و موارد ساختاری اشاره می‌گردد و از بیرون نظام آموزشی، دیدگاه عمومی جامعه نسبت به تعلیم و تربیت و شرایط جهانی مورد بحث قرار می‌گیرد.

مرحله اول: تعیین هدفهای آموزشی پس از تشخیص نیازها، اولین گام در چرخه برنامه‌ریزی، تعیین هدفهای آموزشی می‌باشد. این مرحله، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. اینک به چند مورد آن اشاره می‌کنیم:

الف. از نظر زمینه‌ها و منابع؛ که درحقیقت نیازهای تعیین‌کننده هدفها می‌باشند. برای تشخیص دقیق نیازها بایسته است اطلاع درستی از وضع موجود به‌دست آوریم و در جامعه پویای امروز، آگاهی از افقهای فکری آینده که در فرایند برنامه‌ریزی آموزشی باید به آنها رسید (یعنی وضع مطلوب) به‌آسانی ممکن نیست.



طبقه‌بندی هدفها

در نظام آموزشی حوزه

هدفهایی هستند که در حرکت تکاملی فکری و فرهنگی، هدایت جامعه به سوی هدفهای متعالی اسلام، تربیت صاحب‌نظران در زمینه علوم اسلامی، نظام آموزش حوزوی وجود دارند که برای تحقق آنها لازم است به هدفهای مشخص تری تقسیم شوند.

متخصصین برنامه‌ریزی آموزشی و درسی هدفهای آموزشی را به ترتیب زیر طبقه‌بندی می‌کنند:

۱. آرمانهای جهانی تعلیم و تربیت؛ هدفهای تربیتی اسلام از این نوع هستند که مرزهای جغرافیایی را در می‌نوردد و برای همه انسانها پیام دارد.

۲. آرمانهای ملی؛ آنها در سطح پایین‌تری قرار داشته و معمولاً کلی‌ترین هدفهای تربیتی یک کشور می‌باشند. اختصاص به نظام آموزشی رسمی کشور ندارند و همه نهادهای فرهنگی و آموزشی کشور در راستای آنها حرکت می‌کنند. مانند تربیت نسلهای سالم، معتمد و متخصص.

۳. هدفهای یک نظام آموزشی در قلمرو محدودتر مانند هدفهای نظام حوزوی؛ به عبارتی دیگر، هدفهای حوزوی در درون آرمانهای جهانی اسلام قرار گرفته است. از طریق تحقق هدفهای آموزش حوزوی، هدفهای جهانی اسلام نیز شکل می‌گیرند. پس از تعیین هدفهای کلی نظام آموزش حوزوی، دوره‌ها و مقاطع تحصیلی و هدفهای درسی که اختصاص به یک



رشته دارد، مانند ادبیات و پایین‌تر از آن، مشخص می‌شوند.

نتیجه تقسیم‌بندی فوق، این است که هرچه از هدفهای کلی به سوی هدفهای خردتر پیش رویم، از کلیت و ابهام آنها کاسته می‌شود و به تشخیص هدفها می‌افزاید. در فرایند آن، هدفهای درسی که مشخص‌ترین هدفهای نظام آموزش حوزوی هستند، از جهت زمان به بلندمدت، میان‌مدت و کوتاه‌مدت طبقه‌بندی می‌شوند.

سطوح مختلف هدفها در نظام آموزشی حوزه، مراحل هستند که برای تحقق هدفهای کلی یا آرمانی باید طی شوند و در صورت روشن‌بودن آنها نتایج زیر به دست می‌آید:

اولاً: در مسیر طولانی آموزشهای حوزوی برای طلاب، به ویژه کسانی که هدفمند هستند، آگاهی از چگونگی حرکت، امر مهمی است که روشن می‌کند فرد در کجای مسیر آموزش قرار دارد.

ثانیاً: مدیران و برنامه‌ریزان حوزوی با آگاهی از هدفهای هر مرحله، می‌توانند توانایی‌های فارغ‌التحصیلان هر مقطع و شرایط ادامه تحصیل در دروس یا مراحل بعدی را برای آنها مشخص نمایند.

ثالثاً: برای ارزشیابی میزان پیشرفت تحصیلی طلاب در هر درس یا دوره، تعیین هدفها امری ضروری است، چراکه ملاک ارزشیابی، میزان یادگیری و پیشرفت برنامه آموزشی، هدفها می‌باشند.



تفویح در گرایشها و استعدادهای موقعیت‌های یادگیری گوناگونی را نیاز دارد که در غیر این صورت، مشکلات فاضلی برای نظام آموزشی به وجود می‌آید. ایجاد رشته‌های متنوع که این خود مسایل دیگری به دنبال دارد از قبیل متون درسی متنوع و سایر امکانات آموزشی مربوط به رشته، مراکز مشاوره تحصیلی جهت هدایت استعدادهای به هر یک از رشته‌های تحصیلی، هماهنگی با برنامه‌ریزان و مدیران فرهنگی، اجتماعی و سیاسی جامعه جهت استفاده از فارغ‌التحصیلان در هر یک از زمینه‌های معارف اسلامی در جامعه و مراکز دولتی.



مرحله دوم: شناخت امکانات

نخست لازم است در مورد مفهوم «امکانات» به عنوان یکی از واژه‌های برنامه‌ریزی آموزشی و درسی توضیح داده شود؛ زیرا معمولاً از امکانات مسایل مالی به ذهن تداعی می‌کند و دلیل آن، به‌کارگیری این واژه در غیرجای خود، در برنامه‌ریزی

آموزشی آن باشند، اشاره می‌شود: ۱. درباره ماهیت یادگیری و شناخت در انسان در مورد جریان یادگیری و مراحل آن و شکل‌گیری آموخته‌های انسان به‌صورت رفتارهای عینی و مشخص و قابل مشاهده، دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد. در روانشناسی، یادگیری برحسب نگرش مکاتب مربوط

حداقل جای مناسب تحصیلی به ویژه برای تازه‌واردین به حوزه و طلاب جوان ضروری است که فقدان آن از موانع نظام آموزشی محسوب می‌شود.

یادگیری به معنای تغییر در رفتار و تفاهوت پیدا می‌کند که اکنون

مجال پرداختن به آن نیست. استعدادهای متعلق انسانی و نیروهای جوانی که در حوزه‌های علمیه از هر جهت آماده تحصیل و تحقیق هستند، همه وقت و تلاش خود را در جهت کسب معارف اسلام و قرآن و در نهایت هدایت انسانها مصروف می‌دارند. به‌عنوان بهترین متعلق برای نظام آموزشی محسوب می‌شوند. در عین حال از همین حوامل، به دلایل فنی، می‌توان به‌عنوان یک مانع در نظام آموزشی حوزه یادکرد.

آموزشی، امکانات مورد نیاز برنامه، عبارت است از توانایی‌ها و استعدادهای انسانی و مادی و موقعیت جغرافیایی سازمان، که به‌وسیله آنها می‌توان به هدفهای پیش‌بینی شده دست پیدا کرد. در هر نظام آموزشی و از جمله حوزه‌های علمیه، امکانات موجود مساوی منابع انسانی و مادی نیستند؛ در تعیین حوزه امکانات، ضمن توجه به منابع، لازم است موانع موجود یا احتمالی - که موجب عدم بهره‌برداری از همه منابع می‌شود - شناخته شوند. به‌منظور تشخیص امکانات، به‌عنوان نمونه می‌توان حوزه علمیه را به‌عنوان یک نهاد فرهنگی - اجتماعی که در جامعه تأثیرگذار می‌باشد، و از جامعه تأثیر می‌پذیرد در نظر گرفت و موانع و منابعی که از درون یا خارج از این نظام آموزشی، می‌توانند در راستای تحقق هدفهای آموزشی سودمند واقع شوند را مورد بررسی قرار داد. ابتدا به زمینه‌های درونی نظام آموزشی حوزه و مواردی که جزء طبیعت هر نظام آموزشی هستند و ممکن است مانع یا منبعی برای پیشرفت برنامه‌های

یکی از ویژگی‌های نظام آموزشی حوزه در گذشته و حال، تمرکزگرایی یا نیمه‌تمرکزگرایی در تصمیم‌گیری بوده است. امروزه با تکیه بر روشی که تقریباً برای همه حوزه‌ها با تکیه بر تفاوت، پذیرفته شده بوده، در سایر موارد مانند تعیلات، شروع کلاسها، مشارکت پذیری، امکانات و مسائل مالی به صورت تمرکزگرایی عمل می‌شود است. حال که پیدا کردن تمرکز در صورت لزوم، این امر چاره‌ای نیست. وقتی تمرکز کمرد صورت گیرد تا حدودی از پیشرفت پذیرش امرات مثبت خبرها تمرکزگرایی در بسیاری از نظامهای آموزشی به‌وفتال آن هستند. نشود، مانند انقلاب از راه استوار توسط طایفه یا روش تعقیبات، در برخی متون و در دستاورد شده به این معنی است که با ملاحظه نحوه تدوین و تالیف و به‌کارگیری یا تعمیم یا تشریح برنامه یا پایه و فلسفه





۲ - ۱. تفاوت‌های فردی و گروهی :
استعدادها، گرایشها و علاقه‌های خاص
هریک از طلاب به یک رشته از معارف
اسلامی و عادات و خصوصیات فردی،
زیرساختهای مهمی برای رشد و پویایی
حوزویان و نظام آموزشی حوزه به‌شمار
می‌آیند. کمااینکه می‌توانند موانعی برای
برنامه‌ریزان آموزشی باشند، زیرا
نمی‌توان همه افراد را در شرایط و
رشته‌های تحصیلی یکسان هدایت کرد
و انتظار داشت که تمامی استعدادها به
شکوفایی برسند.

تنوع در گرایشها و استعدادها،
موقعیتهای یادگیری گوناگونی را نیاز
دارد که در غیر این صورت، مشکلات
خاصی برای نظام آموزشی به‌وجود
می‌آید. ایجاد رشته‌های متنوع که این
خود مسایل دیگری به‌دنبال دارد از
قبیل متون درسی متنوع و سایر امکانات
آموزشی مربوط به رشته، مراکز مشاوره
تحصیلی جهت هدایت استعدادها به
هریک از رشته‌های تحصیلی،
هماهنگی با برنامه‌ریزان و مدیران
فرهنگی، اجتماعی و سیاسی جامعه
جهت استفاده از فارغ‌التحصیلان در
هریک از زمینه‌های معارف اسلامی در
جامعه و مراکز دولتی.

۳ - ۱. تدریجی بودن یادگیری : برای
یادگیری، مانع سوّم است. ضمن این که
منبعی برای نظام آموزشی است. زیرا
تدریجی بودن امر یادگیری و عدم امکان
یادگیری حجم عظیمی از مواد درسی در
زمان کوتاه، گرچه موجب تعمیق بیشتر
می‌شود، درعین حال این امر، در نظام

دانش‌شدن هدفهای آموزشی، رله رسیدن
به مراحل بعد را روشن می‌کند. رشته‌های
تفصیلی، ویژگی‌ها، شرایط پژوهشگران در
رشته‌های گوناگون، امکانات مورد نیاز برای
رسیدن به هدفها، راهکارهای اجرایی و
روشهای ارزشیابی، با وضعیت هدفها مرتبط
هستند. همچنین روشن‌بودن هدفهای
آموزشی سبب می‌شود، دانش‌پژوهان در
نظام آموزشی به ویژه در نظام حوزوی،
جهت‌گیری منطقی و منطبق با توانایی‌ها،
علاقه خود و نیازهای حال و آینده جامعه
داشته باشند. از این رهگذر به مقدار زیاد از
ناکلی استعدادهای انسانی و مادی جلوگیری
خواهد شد.

آموزشی مانع هم محسوب می‌شود
چون باید. شرایط و امکانات و لوازم
یادگیری را برای گروهی محدود در
زمانی طولانی مثلاً، ۱۵ سال در نظر
گرفت. ولی اگر همین حجم مطالب در
زمان کمتر مثل ۵ سال فرا گرفته شود،
گروه یادگیرندگان حاضر از نظام آموزشی
خارج شده و جمع دیگری جایگزین آنها
می‌شوند؛ از این رهگذر گروه‌های
زیادی از نظام آموزشی بهره‌مند
می‌گردند و حال آن که زمان‌بر بودن
یادگیری جریان کار را کند می‌کند.

۲. ساختار نظام آموزشی حوزه :
دومین عاملی که می‌توان از جهاتی
به‌عنوان منبع و از سویی دیگر، مانع در
نظام آموزشی حوزه تلقی نمود، مجموعه
ساختار نظام حوزوی است. منظور از
ساختار نظام آموزشی، مجموعه سازمان

اداری، روابط سازمانی، مقررات و
قانونهای آموزشی، مدیریت از جهت
تمرکز یا عدم تمرکز، مقاطع تحصیلی و
ارتباط آنها با یکدیگر، رشته‌های
تحصیلی، امکان جابه‌جایی در رشته‌ها،
چگونگی ارزشیابی از یادگیریهای
دانش‌پژوهان و برنامه‌ها و مواردی از
این قبیل می‌باشند.

در ارتباط با نظام آموزشی حوزه،
هریک از موارد یادشده چنانچه
هماهنگ با شرایط اجتماعی و خاص
حوزوی و ماهیت علوم و معارف آن
پیش‌بینی شده باشند، پشتوانه بالندگی
حوزه‌های علمیه خواهند بود. در غیر این
صورت، هریک می‌توانند مانعی جدی
برای رشد و پیشرفت برنامه‌های
آموزشی حوزه و حوزویان باشند.

به‌عنوان نمونه : ارزشیابی در نظام و
ساختار حوزه چگونه است؟ آیا به‌صورت
نظام‌یافته صورت می‌گیرد؟ آیا ارزیابی
آموخته‌های حوزویان، براساس
محفوظات آنها انجام می‌شود یا براساس
توانایی‌های فکری و قدرت اندیشه و
خلاقیت و فضایل آنها. در مورد ارزیابی
از برنامه‌ها، آیا مرکزی به این منظور
وجود دارد؟ و طرحهای ارزشیابی
منظمی برای برنامه‌های درسی و
آموزشی جدید اجرا می‌شوند و
تصمیمات، مبتنی بر نتایج برآمده از
ارزشیابی‌ها است؟ چنانچه قرار باشد
تغییری در برنامه‌های درسی یا
زمان‌بندی دروس صورت گیرد؛ مراحل
ارزشیابی تکوینی^۲ برنامه طی خواهد
شد؟ به این معنا که برنامه به‌صورت



بالایی برخوردار می‌شود و اگر همه تلاش افراد جامعه برای فراهم‌ساختن شرایط راحت و مناسب زندگی روزمره و رقابت‌های آنها در راستای رسیدن به چنین خواسته‌هایی باشد، نظام تعلیم و تربیت چنین جامعه‌ای از رشد و بالندگی اجتماعی بهره‌مند نبوده و موجب دلسردی فراگیران و رهاکردن نظام آموزشی می‌شود.

در اینجا لازم است به طلاب جوان یادآور شد، امروزه علی‌رغم توجه جدی نظام جمهوری اسلامی به تعلیم و تربیت، لکن به دلایلی مانند ضرورت حضور طلاب در موقعیت‌های مختلف اجتماعی - فرهنگی، مشکلات حاد زندگی، مطالعات و بحث‌های جنبی و مواردی از این قبیل، زمینه ضعف مطالعات و در مواردی ترک تحصیلات حوزوی را فراهم ساخته است. برای پرهیز از چنین وضعیتی اولاً؛ تا اندازه ممکن، باید حوزویان خود را در شرایط برنامه‌ریزی شده قرار دهند و در راستای

برای تشویق دقیق نیازها بایسته است اطلاع درستی از وضع موجود به دست آوریم و در جامعه پویای امروز، آگاهی از افتخای فکری آینده که در فرایند برنامه‌ریزی آموزشی باید به آنها رسید (یعنی وضع مطلوب) به آسانی ممکن نیست.

نمونه در چند مدرسه اجرا شده و به‌طور مرتب از مدیران و طلاب مدارس، نظرخواهی به‌عمل آید و نتایج در تغییرات بعدی مؤثر واقع شود و به این ترتیب، از به‌هدررفتن عمر و استعداد دانش‌پژوهان جلوگیری شود یا در مورد روش مدیریت، حدود تمرکز یا عدم تمرکز آن چه اندازه باید باشد؟

یکی از ویژگی‌های نظام آموزشی حوزه در گذشته و حال، غیرمتمرکز یا نیمه‌متمرکز بودن در تصمیم‌گیریها بوده است. به‌جز محتوای درسی که تقریباً برای همه حوزویان با اندک تفاوت، پذیرفته شده بود، در سایر موارد مانند تعطیلات، شروع کلاسها، مقررات پذیرش، امکانات و مسایل مالی به‌صورت غیرمتمرکز عمل می‌شده است. حال که بنا بر تمرکز در مدیریت است، این امر باید با دقت خاص خود صورت گیرد تا موجب از بین رفتن برخی ثمرات مثبت عدم تمرکز که در بسیاری از نظام‌های آموزشی به‌دنبال آن هستند،

طلبه یا روش تسلط‌یاب^۴ در تدریس متون.

عوامل برون حوزه‌ای

در مورد عوامل خارج از نظام آموزشی که از جهتی مانع و از سوی دیگر منبع هستند، به چند مورد اشاره می‌شود:

۱. دیدگاه عمومی جامعه نسبت به تعلیم و تربیت: در یک جامعه، هرگاه تعلیم و تربیت در اولویت‌های اول قرار بگیرند، نظام آموزشی از قدرت و اهمیت

شخصی خود، سال‌های تحصیلی همراه با برنامه ترسیم نموده به گونه‌ای که برایشان نتایج پایان هر سال یا مثلاً یک دوره پنج‌ساله مشخص باشد و با ارزشیابی‌های پیوسته از فعالیت‌های آموزشی، شرایط رشد را برای خود فراهم سازند. ثانیاً؛ سنت فرزندان حوزه یعنی حضور در محضر استاد و ارتباط استاد - شاگردی را آنچنان که شهید مطهری در تاریخ فقه و فقها به آن اشاره دارند، حفظ نمایند.^۵



۲. شرایط جهانی: یعنی موقعیت فرهنگی، سیاسی، بین‌المللی؛ یکی از مهمترین عوامل خارجی در جهت رشد و پویایی نظامهای آموزشی، وجود رقابتهای بین‌المللی است. در قرن حاضر که آن را قرن انفجار دانش نامیده‌اند، علوم و معارف و دانش بشر، با شتاب فزاینده‌ای رو به فزونی است، به گونه‌ای که طبقه‌بندی این مجموعه دانش‌ها با مشکلاتی روبه‌رو شده است. بنا به گفته یکی از صاحب‌نظران^۶ تنها مقالاتی که در زمینه تحقیقات علمی درحال انتشارند، با سرعتی برابر ۶۷۰۰۰ لغت در دقیقه می‌باشند؛ در چنین شرایطی، کشورهای توسعه‌یافته برای حفظ برتری علمی و کشورهای درحال توسعه و یا عقب‌نگه‌داشته‌شده برای جبران عقب‌ماندگی خود سعی در توانمندی بیشتر نظامهای آموزشی خود می‌نمایند. حوزه‌های علمیه نیز از این وضعیت مستثنی نیستند. بایستگی سرمایه‌گذاری مادی و معنوی در حوزه به‌مراتب نسبت به گذشته بیشتر شده است. رشد روزافزون علم، زمینه تفکر بی‌نیازی از دین را در بین نسلهای تشنه حقایق مذهبی به‌وجود آورده و راه را برای شبهاتی در دین به‌منظور زدودن پایه‌های محکم ایمان و اعتقاد به خداوند در دل‌های خداجوی را هموار ساخته است. این‌گونه مسایل توجه بیشتر به نظام آموزشی حوزه و تغییر در برنامه‌های آموزشی آن را خاطر نشان می‌کند درحالی‌که شرایط تغییر و تحول در نظامهای آموزشی نیز فراهم آمده

است به عکس آنچه گذشت؛ اگر جهان در شرایط رکود به‌سر می‌برد، نظامهای آموزشی کمتر در اندیشه دگرگونی در موقعیتهای خود می‌بودند و این مهمترین مانع رشد آنها می‌شد.

پی‌نوشت‌ها:

۱. مبانی برنامه‌ریزی آموزشی - فیوضات، یحیی - ۱۳۷۳ - ص ۱۳۹.
۲. روششناسی پرورشی - سیف، علی‌اکبر - ۱۳۷۱ و نظریه‌های یادگیری - ترجمه پراهنی، محمدرضا، ۱۳۷۱.
۳. مبانی برنامه‌ریزی آموزشی (برنامه‌ریزی درسی مدارس) - ترجمه مشایخ، فریده - ۱۳۷۱ - ص ۵۸.
۴. گردآوری شواهد را در موقعی که قسمتهای یک برنامه هنوز درحال تدوین هستند، ارزیابی تکوینی نامند. این یک تعریف بسیار کلی است که دل‌های مراعاتی است که هر مرحله لازم به توضیح است و در اینجا مجال آن نیست و مطالب تحلیل در مورد ارزشیابی در بخش برنامه‌ریزی درسی خواهد بود.
۵. همان منبع - ص ۲۰.
۶. یکی از چنین موفقیت‌آمیز در امر یادگیری، شیوه تسلط‌یاب است. این شیوه یادگیری، بر این پیش‌درص پایه‌ریزی شده است که اکثر فراگیران، قادر به یادگیری و تسلط بر بیشتر هدفهای یک برنامه درسی هستند ولی زمان لازم برای تسلط‌یافتن به مطالب برای همه یکسان نیست. در این شیوه، یا ارزیابی‌های مرتب از فراگیران ضعیف‌های آنها مشخص شده و در همان قسمتها کار بیشتری صورت می‌گیرد.
۷. آشنایی با علوم اسلامی اصول فقه - فقه استاد شهید مطهری - ۱۳۵۸ - ص ۵۹.
۸. مقدمات برنامه‌ریزی آموزشی و درسی - پروین، محمدرضا - ۱۳۷۳ - ص ۵۶.

